

تاریخ اجتماعی شیعیان

مفاهیم و کلیات

دکتر محسن الویری

پاییز ۱۳۹۸

الویری، محسن، ۱۳۴۱- .
تاریخ اجتماعی شیعیان؛ مفاهیم و کلیات / محسن الویری؛ ویراستار سعیدرضا علی‌عسکری. - قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم
انسانی، ۱۳۹۸.
ده، ۲۹۵ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۰۳: تاریخ اسلام؛ ۱۱۲) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم
انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۲۲۸۲: گروه تاریخ؛ ۱۵۹)
ISBN: 978-600-298-285-8
بها: ۳۳۰۰۰ تومان
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۲۵۷]-۲۷۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. شیعیان - تاریخ. ۲. شیعیان - وضع اجتماعی. ۳. شیعیان - دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی. الف. پژوهشگاه حوزه
و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم
انسانی. ج. عنوان.
BP ۲۳۹
۲۹۷/۵۳
۵۷۹۷۴۵۰
شماره کتابشناسی ملی



تاریخ اجتماعی شیعیان؛ مفاهیم و کلیات

مؤلف: دکتر محسن الویری (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام)

«پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده

تحقیق و توسعه علوم انسانی»

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱

مرکز پخش: قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۶ - ۳۷۸۴۲۶۳۵ - ۰۲۵

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۴۴۲۴۸۷۷۷، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷ ● تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

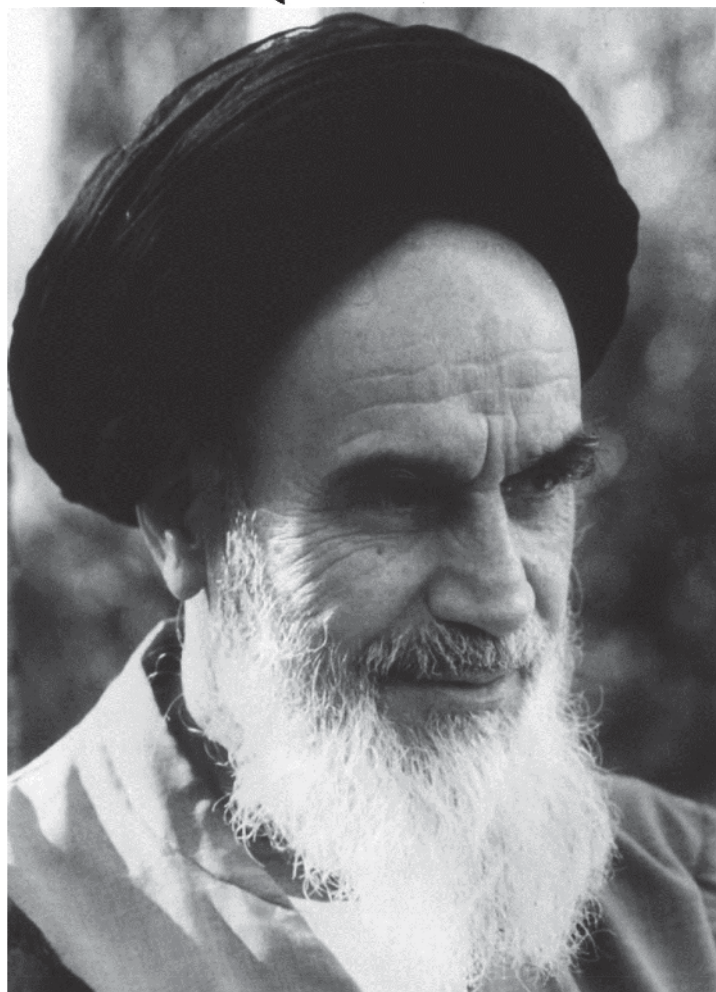
مرکز پخش، نمایشگاه و فروشگاه «سمت»: تهران: روبه روی دانشگاه تهران، حد فاصل خیابان‌های فخر رازی و دانشگاه، مجتمع

تجاری - اداری پارسا، واحدهای ۲۰۱ و ۷ و ۸، تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰ - ۶۶۴۰۸۱۴۵ - ۶۶۴۱۷۸۵۷ (فروشگاه)، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اسلام برای همه است. اسلام از توده پیدا شده است و برای توده کار می‌کند؛ اسلام از طبقه بالا پیدا نشده است. پیغمبر اکرم از همین جمعیت پایین بود، از همین توی جمعیت پا شد و قیام کرد. اصحاب او از همین مردم پایین بودند.

صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۱۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هفتاد و پنجمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب تاریخ اجتماعی شیعیان به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی تاریخ اجتماعی شیعیان به ارزش ۲ واحد و نیز برای دانشجویان رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و شیعه‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد قابل استفاده است. امید است که افزون بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سازمان سمت

تقديم به:

مردم

که خداوند (رعد، ۱۷) درباره آنها گفت هر آنچه آنان را سود رساند در زمین می ماند و جز آن، کفی است روی آب که به کناری افکنده می شود.

محسن الویری

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: چپستی تاریخ اجتماعی و تاریخ اجتماعی شیعیان	۵
سودمندی یا ناسودمندی تعریف تاریخ اجتماعی	۵
رویکرد منتخب برای تعریف تاریخ اجتماعی	۷
مروری بر تعریف موجود تاریخ اجتماعی	۸
رویکرد نخست، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد متمایز ساختن آن از تاریخ‌نگاری سنتی	۸
رویکرد دوم، تعریف تاریخ اجتماعی با اصالت بخشیدن به زندگی مردم	۱۰
رویکرد سوم، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد اصالت بخشیدن به طبقات فرودست	۱۳
رویکرد چهارم، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد اصالت بخشیدن به جامعه یا... ..	۱۵
تعریف پیشنهادی تاریخ اجتماعی	۲۰
رابطه تاریخ اجتماعی با دیگر حوزه‌های مطالعاتی مرتبط	۲۹
تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی تاریخی	۳۰
تاریخ اجتماعی و انسان‌شناسی (antropology)	۳۳
تاریخ اجتماعی و مردم‌شناسی و مردم‌نگاری (ethnology)	۳۶
تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی	۳۸
تاریخ اجتماعی و تاریخ خرد (microhistory)	۴۰
تاریخ اجتماعی و تاریخ زندگی روزانه	۴۲
تاریخ اجتماعی و شاخه‌های دیگر تاریخ‌نگاری	۴۳
چپستی تاریخ اجتماعی شیعیان	۴۳
اهمیت تاریخ اجتماعی شیعیان	۴۵
فصل دوم: سیر تحول مطالعات تاریخ اجتماعی در جهان و تاریخ اجتماعی شیعیان	۵۳
سخن نخست	۵۳
تاریخ اجتماعی در دوران قدیم	۵۵
تاریخ اجتماعی در دوره رنسانس تا پایان قرن نوزدهم	۵۹
تاریخ‌نگاری مارکسیستی	۶۷

تاریخ‌نگاری اقتصادی	۷۱
تاریخ‌نگاری آنالیزها	۷۴
تاریخ اجتماعی به مثابه یک شاخه مستقل تاریخ‌نگاری	۷۹
تاریخ فرهنگی	۸۷
زمینه‌های تاریخ اجتماعی در جهان اسلام	۸۹
تاریخ اجتماعی در ایران	۹۰
توجه به تاریخ اجتماعی شیعیان با تأکید بر ایران	۹۳
فصل سوم: عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی و تاریخ اجتماعی شیعیان	۹۵
عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی	۹۵
۱. نژاد و قومیت	۹۶
۲. نظام باورها و ارزش‌ها به‌ویژه دین و مذهب	۹۸
۳. جغرافیا و وضعیت اقلیمی	۱۰۰
۴. رویدادهای طبیعی و غیر طبیعی	۱۰۳
۵. مهاجرت و جابه‌جایی جمعیتی	۱۰۴
۶. اشاعه فرهنگی	۱۰۶
۷. جمعیت	۱۰۸
۸. فناوری	۱۱۰
۹. ابتکارها و نوآوری‌ها	۱۱۱
۱۰. نظام‌ها، ساختارها و نهادهای اجتماعی	۱۱۲
عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی شیعیان	۱۱۳
عوامل تمایزبخش تاریخ اجتماعی شیعیان	۱۱۵
جمع‌بندی فصل	۱۴۲
فصل چهارم: مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی و تاریخ اجتماعی شیعیان	۱۴۵
روش تعیین مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی	۱۴۵
اجزای پیشنهادی برای تاریخ اجتماعی	۱۴۹
بررسی اجزای پیشنهادی تاریخ اجتماعی	۱۵۱
۱. خانواده و خویشاوندی	۱۵۱
۲. فضاها، شهری و روستایی و کوچ‌روی	۱۵۱
۳. نظم اجتماعی (امنیت، ناامنی، راهزنی)	۱۵۲
۴. تحرکات و دگرگونی‌ها و جنبش‌های اجتماعی	۱۵۲
۵. سبک زندگی	۱۵۳
۶. آورده‌های زبانی	۱۶۰
۷. نمادها	۱۶۵
۸. روابط اجتماعی و اخلاقیات	۱۶۶
۹. آداب و رسوم	۱۶۶
۱۰. حرفه‌ها و مشاغل و پایگاه‌های درآمدی و ادوات و دارایی	۱۶۹

۱۷۰	۱۱. بهداشت و درمان
۱۷۳	مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان
۱۷۳	فضاهای کالبدی شهری
۱۷۷	سبک زندگی شیعیان
۱۸۴	آورده‌های زبانی در محیط‌های شیعی
۱۸۵	نمادهای شیعی
۱۸۸	روابط اجتماعی
۱۸۹	آداب و رسوم
۱۹۲	حرفه‌ها و مشاغل
۱۹۳	بهداشت و درمان نزد شیعیان
۱۹۵	فصل پنجم: گونه‌شناسی منابع تاریخ اجتماعی
۱۹۵	الف) منابع عمومی
۱۹۶	ب) منابع روایی
۱۹۸	ج) منابع متعارف تاریخی
۲۰۰	د) سفرنامه‌ها
۲۰۳	سفرنامه‌های نوشته‌شده از سوی غیر شیعیان
۲۰۵	سفرنامه‌های نوشته‌شده از سوی شیعیان
۲۰۶	ه) زندگینامه‌ها و خاطرات
۲۰۶	زندگینامه‌های خودنوشت
۲۱۱	زندگینامه‌های دیگرنوشت
۲۱۲	زندگینامه‌های فراهم‌آمده از تاریخ شفاهی
۲۱۴	و) یادداشت‌ها
۲۱۵	ز) اسناد
۲۱۷	ح) متون و منابع جغرافیایی
۲۱۹	ط) منابع فقهی
۲۲۵	ی) منابع ادبی
۲۲۸	ک) دیگر منابع مکتوب
۲۲۹	ل) منابع غیر مکتوب
۲۳۳	فصل ششم: تأملاتی درباره روش پژوهش در تاریخ اجتماعی شیعیان
۲۳۳	روش و چالش‌های آن در تاریخ اجتماعی
۲۳۶	تأملات روش‌شناختی تاریخ اجتماعی شیعیان
۲۴۱	روش گردآوری اطلاعات
۲۴۳	درنگی درباره نرم‌افزارها
۲۴۳	ابزارهای گردآوری اطلاعات
۲۴۴	سطح فهم و تحلیل
۲۴۶	پردازش اطلاعات

۲۴۹	 دو نکته پایانی درباره روش تحقیق در تاریخ اجتماعی
۲۴۹	 دوره‌بندی تاریخ اجتماعی
۲۵۳	 دوره‌های تاریخ اجتماعی شیعیان
۲۵۳	 دوره اول: عصر حضور تا آغاز غیبت کبرا
۲۵۴	 دوره دوم: از آغاز غیبت کبرا تا سقوط حکومت عباسی
۲۵۴	 دوره سوم: از سقوط حکومت عباسیان تا آغاز صفویان
۲۵۵	 دوره چهارم: از عصر صفویان تا پایان قاجاریان
۲۵۶	 دوره پنجم: عصر پهلوی تاکنون
۲۵۷	 منابع و مأخذ
۲۵۷	 منابع فارسی و عربی
۲۷۷	 منابع انگلیسی
۲۷۷	 پایگاه‌های اطلاع‌رسانی
۲۷۹	 نمایه‌ها
۲۷۹	 نمایه اعلام
۲۸۵	 نمایه آثار
۲۸۷	 نمایه مکان‌ها
۲۹۱	 نمایه مذاهب، فرقه‌ها، آیین‌ها و...

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِّنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يَصْنَدِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ* فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»^۱

شیعه پژوهی در دهه‌های اخیر با گام‌هایی بلند پا به عرصه‌هایی نو نهاده است. دامن گستراندن این پژوهش‌ها به موضوع‌های نو و شناخت چهره‌ها، نوشته‌ها و جریان‌های کمتر شناخته‌شده از یک‌سو و به کارگیری روش‌های پژوهشی نو و چیرگی تدریجی رویکرد مسئله‌محوری و معطوف شدن مطالعات و پژوهش‌ها به انبوه پرسش‌های نوپدید از سوی دیگر، سیر تحول شیعه پژوهی را به موضوعی شایسته درنگ و ژرف‌کاوی تبدیل کرده است. در این میان، تاریخ تشیع و تاریخ شیعیان را باید بی‌گمان در شمار پهنه‌هایی شمرد که ضمن تأثیرپذیری از شیعه پژوهی نوین از رویکردهای نو در تاریخ پژوهی هم متأثر بوده است.

فرود آمدن پرنده تاریخ پژوهی — که فراز قله‌ها جولانگاه آن بود — به دامنه کوه و جانشین ساختن، یا دست‌کم هم‌نشین کردن توده‌های مردم با قهرمانان و نخبگان در رقم زدن رویدادهای تاریخی را که به آن تاریخ اجتماعی گفته می‌شود، می‌توان مهم‌ترین تحول در رویکردهای تاریخی دوران معاصر برشمرد. تاریخ اجتماعی شیعیان، زاده پیوند این دو نگاه است.

نخستین ظهور رسمی تاریخ اجتماعی شیعیان در محیط‌های دانشگاهی کشور، به احتمال به اختصاص یافتن دو واحد درسی بدین موضوع در برنامه و سرفصل درس‌های رشته تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد بازمی‌گردد که در سال ۱۳۸۳، به پیشنهاد دانشگاه امام صادق علیه السلام به

۱. قصص، ۲۳ و ۲۴.

تصویب وزرات علوم، تحقیقات و فناوری رسید و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، در قالب اجرای این برنامه به دانشجویان ارائه شد. مدیریت کلاس در هر دو نوبت بر عهده نگارنده بود. اجرای برنامه تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد از سوی برخی مؤسسات آموزش عالی قم، سبب شد که از همان سال نخست ورود نگارنده به شهر قم در سال ۱۳۸۵، در عمل، درگیر ارائه این درس باشم. نگارش چند مقاله و ایراد چند سخنرانی و راهنمایی چند پایان‌نامه و رساله، با بن‌مایه تاریخ اجتماعی شیعیان — که هنوز هم ادامه دارد — و استقبال نسبی طلاب و دانشجویان از این قلمرو مطالعاتی و پژوهشی جدید، انس مرا با مقوله تاریخ اجتماعی شیعیان بیشتر کرد و پیوندم را با آن استوارتر ساخت و بر همین پایه، دعوت دوستان گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۰، را برای تدوین متنی در این زمینه به عنوان پاسخ به یک نیاز بر خود فرض دانستم. آنچه پیش روی شماست ره‌آورد مطالعات و تأملاتی است که در هفت سال گذشته تاکنون به‌کندی و گاه با درنگ‌هایی طولانی صورت بسته است.

توضیحاتی چند بند ذیل می‌توانند روشنگر پاره‌ای ابهام‌ها باشند:

— این کتاب همان‌گونه که نام آن حکایت دارد، درآمدی است برای یک کار گسترده در زمینه تاریخ اجتماعی شیعیان و وظیفه خود را تنها بیان مفاهیم و کلیات این موضوع تعیین کرده است. این کتاب به‌سان المقدمة است برای العبرِ زیست اجتماعی شیعیان در گذر تاریخ. پس آنچه به‌ویژه درباره عوامل، مؤلفه‌ها و منابع تاریخ اجتماعی شیعیان در این کتاب آمده، حتماً باید با این سطح انتظار دآوری شود.

— درهم‌تیدگی مباحث عمومی تاریخ اجتماعی با تاریخ اجتماعی شیعیان در این کتاب، امری گریزناپذیر است. با توجه به اینکه هنوز متون ناظر به این حوزه مطالعاتی در زبان فارسی بسیار اندک‌اند، به‌ناچار نخست باید مفاهیم عمومی آن توضیح داده شده، سپس بر تاریخ اجتماعی شیعیان تطبیق داده می‌شد. ارائه این مطالب در دو بخش یا حتی یک کتاب مستقل از هم، ناگزیر به تکرار بخشی چشمگیر از مطالب می‌انجامید و وانهادن مباحث عمومی تاریخ اجتماعی نیز بی‌تردید ابهام‌هایی فراوان را به دنبال داشت.

— منابعی که در این کتاب به آنها ارجاع داده شده، به‌آسانی می‌توانست تا دو و حتی چند برابر افزایش یابد؛ به دو سبب چنین نشد: پرهیز از افزوده شدن حجم کتاب و دوری جست‌وجو از آوردن مطالبی کم‌فایده برای دانشجویان، به‌ویژه در روزگار ما که شناسایی منابع و ارجاع به آنها دشواری دهه‌های پیشین را ندارد.

- در این اثر، برای ارجاع به منابع انگلیسی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی به کمترین حد ممکن بسنده شده است، از آن روی که گمان برده می‌شد مخاطبان کتاب، بیشتر دانشجویان جوانی هستند که توان اندکشان برای مراجعه به منابع انگلیسی و استفاده مستقیم از آنها را باید به عنوان یک واقعیت فهم کرد و توان بالایشان برای مراجعه به منابع اینترنتی و جستجوی آسان در آن را هم نباید از نظر دور داشت.

- این اثر می‌توانست با انبوهی از تصاویر، به‌ویژه در فصل مربوط به مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان همراه باشد. دشواری‌های انتشار تصویر خوب و روشن در کتاب‌های غیر نفیس بر اهل فن پوشیده نیست، بر این اساس، امکان‌سنجی بهره بردن از تصویر، به ویرایش‌های بعدی کتاب موکول شد. شایسته است استادان بزرگواری که از این متن برای تدریس استفاده می‌کنند، به تشخیص خود از تصاویر مناسب بهره ببرند و چه ستودنی خواهد شد اگر همه این تصاویر در یک پایگاه اطلاع‌رسانی به اشتراک گذاشته شود.

- چپ‌نشین مطالب کتاب تابع نظمی است که نگارنده توان دفاع از آن را دارد، وگرنه، چپ‌نشی متفاوت هم از سوی داور محترم کتاب پیشنهاد شده بود که اگر به آن عمل می‌شد اکنون این محتوا جامه‌ای دیگر به تن داشت.

- روش ارجاع‌دهی کتاب و تنظیم فهرست منابع تابع شیوه‌نامه‌ای است که از سوی ناشر محترم معتبر شمرده شده است. رویه متعارف در پاره‌ای از نهادهای پژوهشی تفاوت‌هایی با این شیوه ارجاع دارد. به‌ویژه درباره ارجاع به دائرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها، نظر برخی عزیزان در مرحله پایانی و پس از صفحه‌بندی این بود که نام نویسندگان مدخل‌ها هم افزوده شود. این امر چون در برخی موارد به تغییر صفحه‌بندی کتاب می‌انجامید، به چاپ‌های آینده موکول شد.

اگر قرار بر سپاسگزاری از همه کسانی باشد که سهمی در این وجیزه دارند، باید سیاهه‌ای بلندبالا نگاشته شود؛ که شدنی نیست، پس باید تنها از کسانی نام برد که نام نبردن از آنها جفاست: سرکار خانم فرشته کوشکی، به‌ویژه برای استخراج تعریف‌های تاریخ اجتماعی از منابع گوناگون، حجت‌الاسلام آقای سیدمحمد مهدی موسوی‌نیا، برای تکمیل ارجاعات فصل اول و دوم، سرکار خانم راحله ضائفی، برای برطرف کردن کاستی‌های فهرست منابع، آقای اسماعیل یارمحمدی برای پیگیری‌های اداری، روخوانی نهایی متن و استخراج نمایه‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی، مدیر محترم گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و همکاران خدوم و دلسوز در مدیریت پژوهشی و گروه تاریخ سازمان سمت و نیز دفتر

همکاری‌های این سازمان در قم برای همه محبت‌هایی که از آغاز کار تاکنون داشته‌اند. از آقای دکتر داریوش رحمانیان باید جداگانه نام ببرم که زحمت داوری این کتاب را به سفارش پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فروتنانه پذیرفت و با بیان تذکراتی راهگشا، عالمانه و هوشمندانه همراه با یک دنیا صفا و همدلی، مرا رهین دانش و ادب خود ساخت. خدایش و خدایشان گرامی بدارد و سربلند کند.

دو داور منتخب سازمان سمت، آقای دکتر ابراهیم موسی پور بشلی (پیشتازی ایشان در سامان علمی یافتن مطالعات تاریخ اجتماعی را باید همواره به یاد داشت و بدان بها داد) و سرکار خانم دکتر لیلا نجفیان را هم که لطف و دقت و باریک‌بینی‌هایشان به بهتر شدن اثر کمک کرد ارج می‌نهم و بهترین‌ها را برایشان آرزو می‌کنم.

وظیفه خود می‌دانم که از همه دانشجویان و طلابی که سال‌ها درباره مباحث این کتاب با آنها گفتگو داشته‌ام، از کارکنان دانشگاه باقرالعلوم (ع) که اکنون عضوی از این خانواده علمی هستم و نیز از خانواده محترم خود نیز یاد کنم؛ به‌راستی واژگانی درخور برای سپاس از آنها نمی‌شناسم. در جهان امروز، حق‌مداران که همچون همیشه تاریخ اندک‌اند، مظلومانه در کناره‌ای به انتظار ایستاده‌اند تا شبانان صاحب قدرت، رمه خویش سیراب سازند تا شاید آنگاه، آنان هم بتوانند به بهره‌اندک خود در این جهان دست یابند. آنها سرمایه‌ای جز رگ پاییدن داشته‌های خود، پشتوانه‌ای کهن و ریشه‌دار و همزمان با آن، حیایی که بازدارنده آنها از آزمندی است، ندارند. امید است کارهای علمی ما گامی در مسیر کمک به آنها باشد، سزااست در پی هر گام که در این مسیر برمی‌داریم، برای آسودن به سایه‌ای پناه ببریم و هر یک در نهان با پروردگار خود چنین بگوییم: «رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَی مِنْ خَیْرٍ فَقِیْرٌ».

محسن الویری

۳۱ مرداد ۱۳۹۷ عید اضحی ۱۴۳۹ ق

فصل اول

چیستی تاریخ اجتماعی و تاریخ اجتماعی شیعیان

در این فصل، پس از توضیحی فشرده دربارهٔ ضرورت تعریف تاریخ اجتماعی و رویکرد مناسب برای تعریف آن، چند تعریف منتخب این شاخه از مطالعات تاریخی بررسی اجمالی می‌شود و پس از ارائهٔ تعریف برگزیده، مقایسه‌ای کوتاه میان تاریخ اجتماعی و چند شاخهٔ مطالعاتی مرتبط با آن، یا نزدیک به آن انجام خواهد گرفت و سرانجام تعریفی از تاریخ اجتماعی شیعیان در معرض داوری قرار داده خواهد شد.

سودمندی یا ناسودمندی تعریف تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی، اکنون به اندازه‌ای دامن گسترانده و به امری بدیهی در مطالعات تاریخی تبدیل شده است که شاید پژوهش در زمینهٔ آن نیازمند تعریف پیشینی تاریخ اجتماعی نباشد. یعنی اگر برای نمونه، به پژوهشگران تاریخ پیشنهاد شود به پژوهش درباره تاریخ‌انگاره بپردازند، بی‌تردید نخستین پرسشی که در برابر آنها قرار می‌گیرد این است که مراد از انگاره و تاریخ انگاره چیست؟ شاید چند دههٔ پیش، تاریخ اجتماعی چنین وضعیتی داشت و تعدد تعریف‌های تاریخ اجتماعی و در دست نبودن معیاری برای ارزیابی آنها، به ابهام در چیستی تاریخ اجتماعی انجامیده بود؛^۱ امروزه اما چنین نیست و بیشتر تاریخ‌پژوهان درکی تقریباً روشن از تاریخ اجتماعی دارند و بی‌اینکه احساس کنند ابهامی درباره چیستی تاریخ اجتماعی دارند می‌توانند به پژوهش در این زمینه بپردازند. اصولاً در غرب، به‌ویژه آمریکا، تعداد نظریه‌پردازان و فیلسوفان تاریخ اجتماعی

۱. هجت، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اسلام، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

نسبت به کسانی که در حوزه تاریخ اجتماعی کار می‌کنند بسیار اندک و انگشت‌شمار است و اهمیت آثار پدید آمده در زمینه تاریخ اجتماعی در مقایسه با آثاری که به ابعاد نظری آن توجه کرده‌اند، بسیار بیشتر است.^۱ با این وصف، اختصاص دادن یک فصل به تعریف تاریخ اجتماعی در این کتاب چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟ یادآوری چند نکته در این زمینه به مثابه پاسخ به این پرسش، لازم است:

- پاسداشت سنت علمی مسلمانان: نقطه عزیمت بحث‌های علمی در شیوه شناخته شده مسلمانان تعریف موضوع است. این سنت تقریباً به همان قوت در حوزه‌های علمیه باقی است. سخن از خوب و بد این سنت را به فرصتی دیگر باید وانهاد، ولی دور از ذهن نیست که بگوییم پرداختن به «تعریف» در آغاز بحث، به مثابه پاسداشت یک سنت علمی است که همچنان سودمند است.

- تقویت تأملات نظری درباره تاریخ اجتماعی: پرداختن به مسئله تعریف تاریخ اجتماعی، زمینه‌ساز آشنایی هرچند ضمنی دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی با چارچوب‌های معرفتی و حتی روش‌شناختی تاریخ اجتماعی است که بی‌شک توان فهم و تبیین آنها را در مراحل و ابعاد مختلف فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با تاریخ اجتماعی بالا خواهد برد.

- ضرورت رسیدن به درکی مشترک درباره اصطلاحات و مفاهیم اولیه: با توجه به تنوع دیدگاه‌ها درباره چیستی تاریخ اجتماعی، اگر درکی مشترک در این باره میان پژوهشگران شکل نگیرد، ارتباطات علمی با دشواری‌های آشکاری روبه‌رو خواهد شد و چه بسیار اختلاف نظرها که به دلیل نبودن تفاهم در تعریف‌ها پدید آیند. بنابراین، هر پژوهشگری که پا در این عرصه می‌نهد، شایسته است نخست تعریف خود را از مفاهیم اولیه به‌روشنی بیان کند تا داوری درباره نوشته‌های او براساس آن صورت گیرد.

- الزامات تعریف تاریخ اجتماعی شیعیان: با توجه به محوریت تاریخ اجتماعی شیعیان در این کتاب و محدودیت‌ها و اولویت‌هایی که قید «شیعیان» در رویکرد، روش، قلمرو و بایسته‌های پژوهش تاریخ اجتماعی به دنبال می‌آورد، برای نشان دادن تمایز تاریخ اجتماعی شیعیان، از دیگر گونه‌های درخور تصور تاریخ اجتماعی و تشابهات آنها، ناگزیر باید درک روشنی از تعریف تاریخ اجتماعی را پایه سخن گفتن در این زمینه قرار داد.

۱. هنرta، «تاریخ اجتماعی به مثابه امر زیسته و مکتوب»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، ص ۹۵.

رویکرد منتخب برای تعریف تاریخ اجتماعی

تعریف، گونه‌هایی مختلف دارد و هر یک از آنها برحسب نوع موضوع و هدف به کار گرفته می‌شود. براساس یکی از رویکردها، تعریف‌ها یا ماهیت‌گرا و ماهوی و بیانگر علل شیء هستند، یا تمایزگرا و مفهومی. در تعریف‌های ماهیت‌گرا که به بیان علت‌های پدیده‌ها به عنوان بهترین نوع تعریف توجه دارند، به جنس و فصل اشیا توجه می‌شود و تعریف‌های تمایزگرا ناظر به تمایز کامل یا نسبی میان شیء با غیر خود است. تعریف‌های تمایزگرا نیز به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. در یکی از این گونه‌ها که می‌توان آن را تحلیل مفهومی پدیده‌ها نامید و در مقایسه با دیگر روش‌ها فراگیرتر است، مؤلفه‌های مفهومی پدیده تحلیل می‌شوند و در آن، هرچند مانند تعریف حقیقی، تحلیل مفاهیم سازنده مورد نظر است، ولی برخلاف تحلیل ماهوی، درصدد معرفی ماهیت شیء آن نیست. در تحلیل مفهومی همچنین برخلاف تحلیل لفظی، که فقط معنای واژه بیان می‌شود، مفاهیم مورد نظر از آن واژه تحلیل می‌شود. به نظر می‌رسد این رویکرد برای تعریف تاریخ اجتماعی ظرفیت بالایی برای برآوردن اهدافی که به آنها اشاره شد دارد.

در نگاهی دیگر، اگر از منظر هدف تعریف به انواع تعریف بنگریم، در میان انواع پنج‌گانه تعریف، از دو نوع تعریف تصریحی^۱ و تعریف معجمی^۲ می‌تواند در اینجا استفاده شود. تعریف تصریحی، به مثابه وضع تعیینی است که فرد خود به جعل یک تعریف می‌پردازد و طبعاً فرد تعریف‌کننده خود را به دیگر تعریف‌هایی که تاکنون مطرح شده مقید نمی‌داند، ولی در تعریف معجمی فرد تعریف‌کننده بر آن است تا بگوید که یک واژه در یک دوره معین به چه معنا یا معنایی به کار رفته یا می‌رود.^۳ این رویکرد نیز ظرفیت بالایی برای برآوردن انتظار ما از تعریف تاریخ اجتماعی دارد.

روشی که در اینجا برای تعریف تاریخ اجتماعی استفاده شده، از نظر عمق و ژرفای تعریف، روش مفهومی است و از نظر هدف تعریف، روش معجمی. بر همین اساس، از یک‌سو، با واکاوی و تحلیل مفهومی تعریف‌های اجتماعی و از سوی دیگر، با بررسی مصداق‌ها و

1. tipulative definition

2. lexical definition

۳. برای تأملات نظری و پاره‌ای باریک‌بینی‌های منطقی و نیز آگاهی از انواع تعریف، ر.ک: ابن‌سینا، منطق المشرقیین، ص ۲۹-۳۴؛ شهابی، رهبر خرد، ص ۱۱۴-۱۴۷؛ خندان، منطق کاربردی، ص ۶۱-۹۵؛ معلمی، منطق و تفکر انتقادی، ص ۳۰-۳۲؛ خواص، درسنامه تفکر انتقادی، ص ۴۷-۵۹؛ و به‌ویژه کتاب ماهیت و انواع تعریف نوشته خانم نرگس نظرنژاد. در این بحث از مباحث مقدماتی این کتاب هم الهام گرفته شده است: جستاری نظری در باب تمدن، جمعی از نویسندگان.

نمونه‌های آنچه به آن تاریخ اجتماعی گفته می‌شود، با رویکردی تمایزگرا به مطرح کردن تعریف مورد نظر خود پرداخته‌ایم.

در آغاز نوشتار، توجه به این نکته هم ضروری است که «تاریخ اجتماعی»، آن‌گونه که ذیل تعریف برگزیده به تفصیل بیشتری توضیح داده خواهد شد، به مثابه یکی از شاخه‌های تاریخ، سرشتی تاریخی دارد و نباید با مطالعات میان‌رشته‌ای خلط شود. ضوابط، قواعد و معیارهای تاریخ اجتماعی را باید در تبار تاریخی بودن آن جستجو کرد و تفاوت‌های آن با دیگر گونه‌های مطالعات تاریخی را در صفت اجتماعی بودن آن.

مروری بر تعریف موجود تاریخ اجتماعی

با توجه به رویکرد منتخب برای به دست دادن تعریفی از تاریخ اجتماعی، نخست، تعریف‌های موجود در کتاب‌ها و منابع مختلف تخصصی شامل دائرةالمعارف‌ها و تک‌نگاشت‌ها بررسی شده‌اند است و در مرحله بعد، بر کتاب‌هایی توجه شده است که در عنوان آنها واژگان «تاریخ اجتماعی» به چشم می‌خورد. این دسته از منابع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته نخست، منابعی که در آغاز کتاب به تعریف تاریخ اجتماعی پرداخته‌اند و دسته دیگر، منابعی که چنین نکرده‌اند، ولی می‌توان از مطالب کتاب آنها، دریافت که چه تلقی و درکی از تاریخ اجتماعی در ذهن و باور نویسندگان آنها وجود داشته است. در این بخش، مهم‌ترین این تعریف‌های تاریخ اجتماعی در قالب چهار رویکرد در تعریف‌ها مرور شده و در صورت لزوم تأملاتی ذیل آنها مطرح می‌شود. معیار گزینش این تعریف‌ها نشان دادن زاویه‌های گوناگون نگریستن به این شاخه علمی با تکیه بر تعریف‌هایی است که از نظر نگارنده می‌توانند برای رسیدن به درکی علمی از چیستی تاریخ اجتماعی شیعیان به کار آیند. تقدّم و تأخّر ذکر تعریف‌ها پیام و دلالت خاصی ندارد.

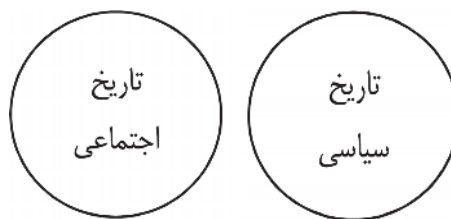
رویکرد نخست، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد متمایز ساختن آن از تاریخ‌نگاری سنتی

دسته‌ای از تعریف‌های تاریخ اجتماعی، بیش از آنکه در پی بیان چیستی آن باشند به تمایز آن از تاریخ‌نگاری سنتی تکیه دارند. شاید معروف‌ترین این تعریف‌ها چنین باشد:

تاریخ اجتماعی، تاریخ‌نگاری بدون وجه سیاسی است؛^۱ این تعریف که واکنشی به تاریخ‌نگاری سنتی است، در عین ساده بودن، گسترده و قلمروی وسیع دارد. پیچیده نبودن این تعریف الزاماً به

1. cartledge, "What is Social History Now?", p.20.

معنای ضعف آن نیست، ولی این اشکال را می‌توان متوجه آن ساخت که بسیار کلی است و رویکردی سلبی دارد و نمی‌توان به صورتی ایجابی، درکی از مفهوم تاریخ اجتماعی را به دست آورد. تاریخ‌نگاری سنتی، چه در شرق و چه در غرب، بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد و به شرح حال صاحبان قدرت سیاسی و برآمدن و فروافتادن آنها و رویدادهای مهم دوران قدرت ایشان اختصاص داشته است. این تعریف، آشکارا می‌خواهد از این نگاه سنتی به تاریخ روی برگرداند و گویی از سر خشم می‌گوید: اگر قرار باشد تاریخ‌نگاری به توده‌های مردم اختصاص یابد، از هر چیزی در آن می‌توان سخن گفت، جز آنچه به وجه سیاسی جامعه پیوند می‌خورد. بنابراین، در این نگاه، تاریخ فرهنگی، تاریخ اقتصادی، تاریخ اندیشه و مانند آنها، همگی در قلمرو تاریخ اجتماعی قرار می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های این تعریف، تصریح بر این نکته است که تاریخ اجتماعی یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری است.



نمودار ۱: تباین میان تاریخ اجتماعی و تاریخ سیاسی از نظر کارتلج

ظاهراً پیشینه این تعریف به ترولین^۱ (۱۹۶۲م) بازمی‌گردد که در مقدمه کتاب *English Social History* (تاریخ اجتماعی انگلیسی) در سال ۱۹۴۲م، اظهار داشت: تاریخ اجتماعی تاریخی است که مسائل سیاسی از آن حذف شده باشند. این دیدگاه بارها نقد شده است. این تعریف به طور ضمنی عرصه وسیعی برای امر اجتماعی، از جمله فرهنگ و ذهنیت‌ها و زندگی روزانه فراهم آورده است.^۲ شاید این سخن کنراد که ضمن تأکید بر متمایز بودن تاریخ اجتماعی از تاریخ سیاسی، می‌گوید: بهترین تعریف تاریخ اجتماعی می‌تواند این باشد که این رشته می‌خواهد چه نباشد؟ تعریضی به همین معنای گسترده تاریخ اجتماعی باشد.^۳

۱. G. M. Trevelyan

۲. کنراد، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، ص ۴۰.

۳. همان. در این باره همچنین ر.ک: ون، «فن سخنوری در تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، ص ۴۲۷.

رویکرد دوم، تعریف تاریخ اجتماعی با اصالت بخشیدن به زندگی مردم

ویژگی اصلی این دسته از تعریف‌ها سهم و نقش بخشیدن به مردم معمولی در تاریخ اجتماعی است. در دسترس‌ترین تعریفی که همه پژوهشگران معمولی و حرفه‌ای می‌توانند به آن مراجعه کنند، تاریخ اجتماعی را این‌گونه معرفی کرده است: «شاخه‌ای از تاریخ که تاریخ مردم معمولی^۱ و خط‌مشی‌های کنار آمدن با زندگی را دربر دارد».^۲ ترولین (۱۹۶۲م) نیز در یکی از تعبیرهای خود، تاریخ اجتماعی را با زندگی روزانه ساکنان یک سرزمین در دوران گذشته یکسان انگاشته است.^۳ این تعریف نیز ضمن تأکید بر اینکه تاریخ اجتماعی شاخه‌ای از تاریخ است، مردم معمولی را موضوع این شاخه نوپدید از تاریخ می‌داند و با قید خط‌مشی‌های کنار آمدن آنها با زندگی، رویکرد چنین نگاهی به مردم معمولی را نیز مشخص ساخته است. این قید نشان‌دهنده توجه این تعریف به عام‌ترین، روشن‌ترین و مسلم‌ترین بخش تاریخ اجتماعی است. برای روشن شدن اهمیت این قید باید گفت که مردم یک زندگی روزانه دارند که چه‌بسا یک مورخ به گزارش زندگی روزانه مردم قطعه‌ای از زمین در یک برش تاریخی ویژه پردازد و برای پسینان گزارش کند که مردم در آن مکان و آن زمان چه می‌خوردند و چه می‌پوشیدند و چگونه استراحت می‌کردند و در یک عبارت، چگونه صبح را به شام و شام را به صبح می‌رساندند. چنین گزارشی را باید تاریخ زندگی روزانه خواند. ولی خط‌مشی کنار آمدن با زندگی، یعنی قالب‌ها، اصول حاکم، رویه‌ها، ضوابط و معیارهایی که مردم برای مسائل اصلی زندگی خود، یعنی خوراک و پوشاک و مسکن و حمل و نقل و... بر آنها توجه می‌کنند. در این نگاه تاریخ اجتماعی یعنی منطق زندگی روزانه نه گزارش زندگی روزانه. بخش درخور توجهی از منطق زندگی روزانه با آنچه سبک زندگی خوانده می‌شود و در فصل آینده بدان خواهیم پرداخت، هم‌پوشانی دارد. نیاز به یادآوری، یا تأکید نیست که کشف منطق زندگی مردم در یک مقطع تاریخی، بدون پرداختن به زندگی روزانه آنها و غور در آن ممکن نیست؛ ولی مورخ تاریخ اجتماعی در گزارش‌های زندگی روزانه مردم متوقف نمی‌ماند و به لایه‌های درونی و مبانی پنهان و قوانین شکل‌دهنده آنها هم می‌پردازد.

1. ordinary people

2. Wikipedia, <https://en.wikipedia.org/wiki/social-history>

۳. زویری، ابومسلم‌نامه و نقش آن در تاریخ اجتماعی عصر صفوی، ص ۴۶.

تعریفی دیگر که در این رویکرد می‌گنجد، تاریخ اجتماعی را این چنین تعریف کرده است: «شیوه زندگی و چگونگی چهره‌یابی تاریخی مردم».^۱ مراد از چهره‌یابی، با توجه به توضیحات مؤلف، همان اصول حاکم بر زندگی مردم است. این بدان معناست که از نظر مؤلف، تاریخ اجتماعی تنها به مناسبات روزانه توجه ندارد، بلکه در پی کشف ماهیت این اعمال است. این تعریف از تاریخ اجتماعی با فصل‌بندی مطالب کتاب مورد استناد نیز که جنبه توضیحی درباره معنای مورد نظر مؤلف را دارد، سازگار است. در این کتاب کوشش شده تا از احوال مردم عادی، گروه‌ها و قشرهای مختلف و شیوه معاش و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیوانی آنان نکاتی ذکر شوند و حریم برخی ابواب مداخلات حکومت، هم در جزء و کل مسائلی که در جامعه می‌گذشته و نیز تصویری از روابط مردم ایران با یکدیگر و حدود تلاش‌ها و مساعیشان در نقش‌بندی امور و شکل بخشی هویت ملی روشن شوند. کتاب با تأکید بر اینکه تاریخ اجتماعی مسائل روزمره و به تعبیری عادات زندگانی مستمر است؛ یعنی همان چیزی که در تاریخ‌های سیاسی از آن غفلت شده، کوشیده است تا نمونه‌هایی از رنج‌ها، شادی‌ها، سختی‌ها و سستی‌ها و سرانجام حسب حال‌های واقعی حیات ملت ایران را بیان کند.^۲

تعریف دیگری که در این رویکرد قرار می‌گیرد این گونه است: «دگرگونی‌ها و تداوم‌ها در تجربیات مردم معمولی».^۳ این تعریف ضمن تکیه بر دگرگونی‌ها، به مسئله مهم تداوم‌ها هم توجه کرده است و آنچه را به مردم معمولی پیوند می‌یابد، در قالب تجربه‌های آنها متمرکز ساخته است. دو واژه «تداوم» و «تجربه» زمینه پرداختن به قوانین ثابت برآمده از زندگی روزمره را فراهم می‌سازد.

تعریف دیگری که ذیل همین رویکرد می‌تواند در نظر قرار گیرد، چنین است: «ساختارهای خانوادگی مردم و رفتارهای آنها در زندگی روزانه، روش آنها برای سامان‌دهی فضاها و اجتماعی اطراف خود و معنا بخشی به آن».^۴ این تعریف نیز ضمن تأکید بر وجه روزمرگی، از طریق کلمه «روش» نگاه خود را از روزمرگی، به وجه ثابت و قانونمند تاریخ اجتماعی معطوف می‌سازد.

همچنین این تعریف را هم می‌توان در همین رویکرد قرار داد: «این واژه (تاریخ اجتماعی) برای اشاره به یک‌سری از موضوعات به کار می‌رود که محور آنها فعالیت‌های انسانی، مثل: رفتارها، شعایر، رسوم و فعالیت‌های زندگی روزمره است».^۵ این تعریف از دقت‌های لازم در یک

۱. شعبانی، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷.

۲. همان، ص ۷-۹.

3. Cartledge, *What is Social History Now*, p.22.

۴. زویری، ابومسلم‌نامه و نقش آن در تاریخ اجتماعی عصر صفوی، ص ۳۵؛ به نقل از: J. Arnold.

۵. همان، ص ۴۶؛ به نقل از: E. J. Hobsbaw.

تعریف عالمانه بهره‌ای ندارد و تعبیر «یک‌سری از موضوعات» فاقد دو ویژگی جامعیت و مانعیت است که شرط نخست هر تعریف است.

نمونه‌های دیگری هم برای این تلقی از مفهوم تاریخ اجتماعی می‌توان ذکر کرد. از مقدمه کتاب تاریخ اجتماعی جهرم برداشت می‌شود که این تعریف از تاریخ اجتماعی در نظر مؤلف کتاب بوده است: «طرز زندگی مردم ایران در قرون گذشته و آداب و رسوم زندگی گذشتگان».^۱ این تعریف به روشنی بر دو مؤلفه شیوه زندگی و آداب و رسوم تکیه دارد و قید ایران برحسب موضوع این کتاب، به تعریف افزوده شده است. همچنین در مقدمه کوتاه کتاب شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه، به قلم باقر مستوفی فرزند مؤلف، درباره تاریخ اجتماعی چنین آمده است:

تاریخ یک ملت تنها شرح جنگ‌ها و صلح‌ها و توسعه مرزها و کشتارها و گرفتن و پس دادن زمین‌ها نیست، بلکه وضع کشورداری و اجتماعی و زندگی و طرز فکر و کار روزانه آن مردم است که تاریخ یک مرز و بوم و تمدن آن را به وجود می‌آورد و ارزنده می‌سازد. در زمان قاجاریه مردم چگونه زندگی می‌کردند؟ عزا و عروسی آنها چگونه بود؟ دولت چگونه کشور می‌راند؟ سرجنبانان کی‌ها بودند و چرا بودند، طرز زندگی و کار فلان باباشمل چاله میدانی چون بود؟ عیدها و تعزیه‌ها چگونه برگزار^۲ می‌شد؟ مردم چه می‌خوردند و چه می‌پوشیدند؟ مردم کوچه و بازار چه زبانی حرف می‌زدند و منشیان و مستوفیان همان زبان را چگونه می‌نوشتند؟ مردم یک گوشه از جهان را بیشتر می‌توان از روی این ریزه‌کاری‌ها شناخت تا مثلاً عقد فلان قرارداد جنگ و صلح. در کتاب حاضر که نمونه‌ای است از یک تاریخ اجتماعی، تمام این نکات در نظر گرفته شده و مطالب با بیطرفی تشریح شده، ... راهنمای ارزنده‌ای تواند بود برای علاقه‌مندان علوم اجتماعی که در روشن ساختن تمدن این عصر وقت می‌سوزانند.^۳

این برداشت از کتاب شرح زندگانی من، برداشتی مطابق واقع است و متن کتاب آکنده از داده‌های سودمند برای تدوین تاریخ اجتماعی آن دوران است.

تاریخ اجتماعی به مثابه تاریخ زندگی روزانه اکثریت توده مردم از سوی دیگران هم ذکر شده است،^۴ ولی به هر حال باید توجه داشت که هرچند تاریخ زندگی روزانه مردم بخشی مهم و محوری از تاریخ اجتماعی را تشکیل می‌دهد، ولی نباید این دو را یکی شمرد.

۱. طوفان، تاریخ اجتماعی جهرم در قرون گذشته، ص ۲-۵.

۲. در متن کتاب این‌گونه (برگزار) نوشته شده است.

۳. مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، مقدمه باقر مستوفی، صفحه دوم پیشگفتار.

4. Cronze, "Social History", *Historiography: Critical Concepts in Historical Studies*, p.2, from Darnton.

رویکرد سوم، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد اصالت بخشیدن به طبقات فرودست

یکی از مهم‌ترین تعریف‌هایی که در این رویکرد باید بدان توجه شود چنین است: «بود و باش گروه‌ها و طبقات فرودست جامعه و جنبش‌های اجتماعی آنها و نقش آنها در تکوین جامعه، فعالیت‌های اجتماعی انسان‌ها، تاریخ اقتصادی»^۱ مطرح‌کننده این تعریف ضمن اشاره به اینکه تاریخ اجتماعی عمر کوتاهی دارد و نمی‌توان تعریف دقیقی از آن به دست داد به طرح شناسه‌هایی در این حوزه می‌پردازد که از طریق آنها می‌توان تا حدودی به شناخت درستی از تاریخ اجتماعی رسید. مهم‌ترین شناسه تاریخ اجتماعی در این تعریف، تاریخ گروه‌ها و طبقات فرودست جامعه و «بود و باش» آنها، جنبش‌های اجتماعی این طبقات و نقش آنها در تکوین جامعه است. حوزه دیگر تاریخ اجتماعی که این تعریف بدان اهتمام دارد، فعالیت اجتماعی انسان‌هاست که دیگر منحصر به گروه‌های فرودست نیست، بلکه همه مردم را شامل می‌شود. در این تعریف، به تاریخ اقتصادی نیز توجه خاصی شده است و روشن است که هرچند تاریخ اقتصادی مقوله‌ای متفاوت از تاریخ اجتماعی است، ولی پیوندی استوار میان آنها برقرار است. شاید بتوان گفت مراد از تاریخ اقتصادی در این تعریف، سیاق معیشت مردم است، نه اقتصاد به مفهوم نظام پولی و مالی و ابزار تولید و توزیع ثروت. این تعریف آشکارا متأثر از پژوهش‌های انجام‌یافته و منتشرشده در زمینه تاریخ اجتماعی است و به گونه‌ای، دسته‌بندی عناوین آثار منتشرشده در این زمینه است. این تعریف خود را از دردسرهای نظری برای تبیین چستی تاریخ اجتماعی دور نگاه داشته و آن را براساس قلمروها و شاخصه‌ها تعریف کرده است و تقریباً درباره چستی تاریخ اجتماعی ساکت است؛ هرچند می‌توان چستی را از لابه‌لای این شاخصه‌ها حدس زد. از سوی دیگر، تنوع فزاینده قلمروهای تاریخ اجتماعی می‌تواند ثبات و استواری این تعریف را به چالش بکشد. همچنین باید گفت بی‌شک یکسان انگاشتن تاریخ اجتماعی با تاریخ اقتصادی، یک برداشت تقلیل‌گرایانه است که از رابطه دوسویه میان پدیده‌ها و عوامل اقتصادی با عوامل و پدیده‌های غیر اقتصادی نظیر عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی و جز آنها، غفلت می‌کند و نقش آنها را در شکل‌دهی جریان‌های مهم تاریخی نادیده می‌انگارد.

مؤلف کتاب ده‌جلدی تاریخ اجتماعی ایران که بدون تردید مفصل‌ترین کتاب در موضوع خود است، چنین می‌گوید:

۱. اتابکی، «مورخان و تاریخ اجتماعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۳، ص ۷ و ۸.

تاریخ زندگی مردم ایران، یعنی شرح حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فکری و هنری ایرانیان، تاکنون با روش علمی مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است. مورخان و صاحب‌نظران در راه تدوین تاریخ زندگی اکثریت مردم این سرزمین قدم مؤثری برنداشته‌اند. به حکایت کتب و آثار تاریخی تا قبل از پیدایش تمدن جدید و رشد افکار دموکراتیک اکثریت قریب به اتفاق مورخان ایرانی و خارجی، به اوضاع اجتماعی و اقتصادی توده مردم توجهی نداشتند.^۱

هرچند تعریف راوندی در کتاب چند جلدی و مفصل خود به دلیل پرداختن به جزئیات زندگی مردم در همه جنبه‌های فکری، اجتماعی، شخصی و هنری و جنبه‌های دیگر آن از دوران باستان، به رویکرد دوم هم پیوند می‌یابد ولی به دلیل تکیه خاصی که بر توده‌های مردم دارد، می‌تواند در رویکرد سوم قرار گیرد. این نکته عیناً درباره تعریف مندرج در کتاب تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی و کسب و کار، صدق می‌کند. مؤلف این کتاب شش جلدی در تعریف تاریخ اجتماعی چنین نوشته است: تاریخ اجتماعی، تاریخ مردم کوچه بازار و مشاغل و شادی و غم‌های آنهاست، نه فقط سرگذشت شاهان و بزرگان.^۲ مؤلف در متن کتاب هم به این تعریف پایبند مانده است. در این کتاب تأکید خاصی بر مشاغل شده و ضمن برشمردن انواع آن، آداب و رسوم مربوط به هر یک از آنها هم شرح داده شده است.

نگاه به تاریخ اجتماعی به گونه‌ای معطوف به فرودستان، بن‌مایه فعالیت‌های مؤسسه بین‌المللی تاریخ اجتماعی^۳ در هلند نیز هست که محور اصلی فعالیت‌های خود را بر گردآوری و تحلیل اسناد مربوط به جنبش‌های کارگری قرار داده است.^۴ یکی از نکات درخور توجه درباره این تعریف، محدود ماندن جبری آن به تاریخ یکی دو قرن اخیر و ناممکن بودن تعمیم آن به دوران پیش است؛ زیرا طبقه و جنبش، به مفهوم امروزی آن، مفهومی نوپدید است و عملاً دایره کاربست این تعریف به دوره‌ای محدود می‌شود که این مفهوم در آن وجود داشته است و نمی‌توان با این تعریف مثلاً به بررسی تاریخ اجتماعی در صدر اسلام پرداخت؛ چون در آن دوران، مثلاً از مقوله‌ای به نام جنبش سوسیالیستی خبری نبوده است، مگر اینکه تعریفی عام و قابل تطبیق با دوران مختلف از طبقه و جنبش اجتماعی مطرح سازیم.

۱. راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، مقدمه، صفحه پنج.

۲. شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم زندگی و کسب و کار، ص ۴.

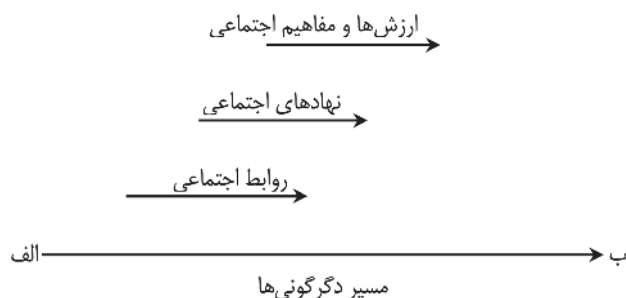
3. International Institute of Social History (IISH)

4. <https://socialhistory.org/fa/about/history-and-activities>

رویکرد چهارم، تعریف تاریخ اجتماعی با رویکرد اصالت بخشیدن به جامعه یا رویکرد اصالت بخشیدن به روابط و نهادهای اجتماعی

شاید شناخته شده ترین تعریف در این زمینه تعریفی است که فرهنگ علوم اجتماعی مطرح کرده است و براساس آن، تاریخ اجتماعی عبارت است از: «بررسی شبکه تغییر یابنده روابط اجتماعی، تکامل نهادهای اجتماعی و دگرگونی های وارد شده در ارزش ها و مفهومی های اجتماعی».^۱

در این تعریف ها سه عنصر روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی و ارزش های اجتماعی، به عنوان موضوعاتی که در نظر مورخان اجتماعی بوده اند مطرح شده اند. گولد، از باورمندان به تکامل گرایی است و جنس تعریف او از تاریخ اجتماعی نیز از نوع تعریف های تکامل گراست و بر همین اساس، سنگینی تعریف او، روی تغییرات اجتماعی است. روشن است که دگرگونی یا تکامل، خود گونه ای از تغییر هستند و نیز دگرگونی، یعنی حرکت از نقطه «الف» به نقطه «ب». در این تعریف، حرکت از مبدأ (نقطه الف) به سوی مقصد (نقطه ب)، در سه حیطه اصلی و مهم در نظر گرفته شده است: روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی و ارزش ها و مفاهیم اجتماعی. اگر این حرکت از نقطه الف به سوی نقطه ب، که در یک دوره زمانی معین صورت می گیرد، حرکتی کمال یابنده باشد، این حرکت را می توان تکاملی خواند و در غیر این صورت، این حرکت تنها یک تغییر است و الزاماً جنبه تکاملی ندارد. یکی از مهم ترین وجوه این تعریف آن است که سرشت تاریخی گری که همان حرکت در بردار زمان است در آن در نظر گرفته شده است. شاید بتوان گفت که از نظر گولد تغییرات نهادهای اجتماعی همواره تکامل گرایی، ولی تغییرات معطوف به روابط اجتماعی و نیز ارزش ها و مفاهیم اجتماعی الزاماً تکامل گرا نیستند و ممکن است خنثی و حتی رو به انحطاط باشند.



نمودار ۲: مفهوم تاریخ اجتماعی از نظر گولد و کولب

۱. گولد و کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۰۱.

بر این تعریف نیز باید ذیل همین رویکرد توجه کرد که: تاریخ اجتماعی، یعنی تاریخ جامعه یا دقیق‌تر بگوییم تاریخ ساختارها، روندها و جریان‌ها.^۱ این تعریف نیز تاریخ اجتماع را با تاریخ جامعه به مثابه یک هویت مستقل یکسان انگاشته است، ولی وجه تمایز آن با برخی تعریف‌های مشابه این است که کلیت جامعه را به سه بخش خرد، یعنی ساختارها و روندها و جریان‌ها که در درون آن کلیت قرار دارند، تبدیل کرده و بدین‌سان حوزه‌های فعالیت پژوهشگران تاریخ اجتماعی را مشخص ساخته است.

سومین تعریفی که در این رویکرد باید بدان توجه شود، چنین است: «تاریخ اجتماعی، نوعی از تاریخ‌نویسی است که گروه‌بندی‌های اجتماعی و به‌ویژه طبقات اجتماعی اقتصادی را کانون توجه خویش قرار می‌دهد».^۲ نخستین نکته درخور توجه در این تعریف، عطف چیستی تاریخ اجتماعی از واقعیت عینی رویداد بیرونی، به کوشش مورخانه برای ثبت آن رویداد است. این تعریف، موضوع تاریخ اجتماعی را به گروه‌بندی‌های اجتماعی، آن هم طبقات اجتماعی اقتصادی، محدود کرده است.

در تعریفی دیگر چنین آمده است: «تاریخ اجتماعی باید به بررسی تاریخ جامعه به مثابه هویت معین، واقعی، دارای تداوم و دارای ساختار محدود شود».^۳ این تعریف به گونه‌ای با یکسان‌پنداری مفهوم اجتماع با جامعه، تعریف تاریخ اجتماعی را به تعریف جامعه‌شناسی تاریخی نزدیک ساخته است.

در تعریفی مشابه، از سوی پژوهشگری دیگر، چنین مطرح شده است: «شکل آرمانی تاریخ اجتماعی براساس متون گذشته، به مطالعه ساختار و فرایند کنش و واکنش انسان در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد».^۴ این تعریف نیز که به صراحت، بر متعلق به زمان گذشته بودن توجه داشته به حدی کلی است که می‌تواند رفتارهای حاکمان و حاکمیت را دربر بگیرد؛ زیرا حکومت‌ها نیز در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی رفتار می‌کنند.

همچنین این تعریف نیز در همین قالب قرار می‌گیرد: «تاریخ اجتماعی به عنوان رویکردی نوین، می‌کوشد زندگی اجتماعی مردم را در سه حوزه رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه، رابطه

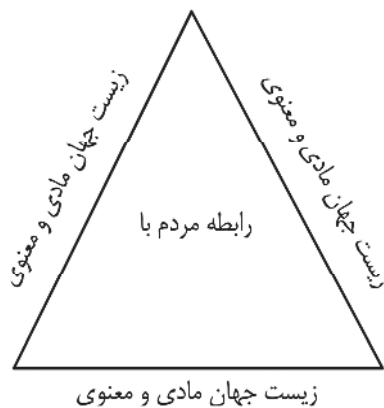
1. Cronze, "Social History", *Historiography; Critical Concepts in Historical Studies*, p.13.

۲. هکستر، «چارچوبی نو برای تاریخ اجتماعی»، تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، ص ۳۲۹.

3. Cronze, "Social History", *Historiography; Critical Concepts in Historical Studies*, p.3, from Christopher Lloyd.

۴. هت، «تاریخ اجتماعی»، تاریخ اسلام، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ص ۱۶۲.

مردم با دولت و حکومت و رابطه مردم با زیست جهان مادی و معنوی شان بررسی و این روابط را در چارچوب‌های علی و معلولیت تبیین کند.^۱ نقطه محوری این تعریف، تبیین علی روابط مردم با انواع محیط‌های پیرامونی خود به مثابه بن مایه تاریخ اجتماعی است. در این نگاه، زندگی اجتماعی محدود به سه حوزه ارتباط با مردم، حکومت و جهان مادی و معنوی شده است و با تأکید بر «رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه»، رابطه مردم با گذشته خود از تعریف کنار گذاشته شده است و افزون بر آن، عنصر تاریخ رد پای در هیچ بخش از تعریف ندارد. این تعریف از تاریخ اجتماعی، در عمل تفاوتی با تعریف زندگی اجتماعی ندارد، مگر اینکه پیش فرض متعلق به گذشته بودن، بدیهی و بی‌نیاز از ذکر انگاشته شده باشد. شاهد تأییدکننده این برداشت تصریح مؤلف به عنصر «تاریخ» در تعریفی دیگر است که در همین مقاله آمده است: «به ساده‌ترین بیان، تاریخ اجتماعی بررسی روابط اجتماعی در بستر تاریخ و بنابر شواهد و مستندات تاریخی است».



نمودار ۳: تعریف تاریخ اجتماعی از نظر آقای دکتر موسی‌پور

مؤلف که در این تعریف، تاریخ اجتماعی را محدود به روابط اجتماعی دیده است، ضمن اشاره به دیدگاه کسانی که تاریخ اجتماعی را در شمار علوم اجتماعی قرار می‌دهند و می‌کوشند رویدادهای تاریخی را از منظر جریان‌های اجتماعی بنگرند و بدین‌سان، حوزه‌های مختلف تاریخ اقتصادی و تاریخ حقوقی و تاریخ تحولات و هنجارهای اجتماعی را زیرمجموعه تاریخ اجتماعی قرار می‌دهند، می‌افزاید:

۱. موسی‌پور، «تاریخ اجتماعی؛ رویکردی نوین به مطالعات تاریخی» مجله تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۶، س ۳، ص ۱۴۱.

مورخانی که مناسبات توزیع قدرت را در منابع تاریخی جستجو می‌کنند، در حوزه تاریخ سیاسی به کار پژوهش مشغول‌اند؛ کسانی که مناسبات توزیع ثروت را بررسی می‌کنند، کارشان در حوزه تاریخ اقتصادی است و مورخانی که روابط میان مردم و چگونگی مناسبات میان قدرت، ثروت و پیکره جامعه را مطالعه قرار می‌کنند، مورخ اجتماعی هستند. چگونگی پیدایش و تحولات پدیده‌های فرهنگی و نقل و انتقال آنها نیز موضوع تاریخ فرهنگی است. با این حال تاریخ اجتماعی، با تمام این رشته‌ها و بسیاری علوم دیگر روابط، همکاری و هم‌پوشانی‌هایی دارد.^۱

نمونه‌ای دیگر از پیوند زدن تاریخ اجتماعی با مطالعات اجتماعی را در کتاب تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، می‌توان یافت. در مقدمه این کتاب، مؤلف نخست علم اجتماعی را تعریف کرده است و موضوع و مقوله‌های آن را شناخته و واکاوی و تبیین علمی روابط اجتماعی متقابل جامعه و افراد انسانی معرفی کرده است. مؤلف محترم با توضیحی که مطالعات میان‌رشته‌ای را تداعی می‌کند چنین نوشته است:

دانش اجتماعی به پژوهش درباره فرآیند این گونه جامعه‌نگری می‌پردازد. به گونه‌ای که شیوه زیست انسان‌ها، هویت‌جویی آنان، ساخت نیازها و برآورده شدن آنها از طریق روابط متقابل مورد بررسی قرار گیرد. مقوله‌های مورد نظر علوم اجتماعی چندین جنبه را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. کلیت موضوع و فراگیری آن، استمرار و تداوم آن، آزاد از زمان و مکان بودن آن، تغییرپذیری و فراگیری و تکامل آن از مقوله‌های مورد توجه در علوم اجتماعی است. تمامی تغییرات و تکامل و شیوه رخداد آنها و نیز چگونگی پیروی آنها از قوانین، هنجارها و ارزش‌ها با درک علمی و ژرف‌نگری در جامعه و تاریخ، در تاریخ اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. علوم اجتماعی امکان شناخت و واکاوی و وابستگی متقابل روابط اجتماعی را در روند تاریخ امکان‌پذیر می‌سازد.^۲

البته مؤلف محترم در متن کتاب، به مباحث و تاریخ سیاسی هم توجه خاصی داشته است و کتاب ویژه تاریخ اجتماعی به معنای دقیق آن نیست.

تقسیم تاریخ اجتماعی به دو نوع عام و خاص را هم باید در همین رویکرد در نظر قرار داد. در این نگاه، تاریخ اجتماعی عام، شامل همه نظام‌های موجود در یک جامعه است و تاریخ اجتماعی خاص بخشی از جامعه‌شناسی تاریخی است.

تاریخ اجتماعی به مفهوم عام، یعنی: بررسی یک دوره، یا یک مقطع تاریخی، یا یک سلسله از نظر سیاسی، اقتصادی و اداری، فرهنگی، دینی و همه ابعاد دیگر که مجموعاً تاریخ اجتماعی به

۱. «گفتگو با دکتر ابراهیم موسی‌پور»، ص ۵۴.

۲. نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، مقدمه، ص ۳.

مفهوم عام را تشکیل می‌دهند. اما پس از جنگ جهانی دوم، تحولاتی در زمینه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری پدید آمده است که در آن تاریخ اجتماعی به مفهوم خاص، بخشی از جامعه‌شناسی تاریخی منظور شد و درحقیقت مفهومی نزدیک به فلسفه تاریخ در ارتباط با جامعه‌شناسی است.^۱ این نگاه به تاریخ اجتماعی از رویکردهای سنجیده و روشمند جدید فاصله دارد.

همان‌گونه که ذکر شد، دسته‌ای دیگر از تعریف‌ها را می‌توان از منابعی که با عنوان تاریخ اجتماعی تألیف شده‌اند، برداشت کرد. این منابع هرچند تعریف مشخصی از تاریخ اجتماعی به دست نداده‌اند، ولی از متن کتاب می‌توان دریافت که چه تلقی و تعریفی از تاریخ اجتماعی مبنای کار آنها قرار گرفته است. این دسته از تعریف‌ها به صورت عمده ناظر به اجزای تشکیل دهنده، یا عوامل مؤثر بر تاریخ اجتماعی، مانند نژاد، حرفه، جنسیت، شورش‌ها، انقلاب‌ها، آشوب‌ها، مهاجرت، آداب و رسوم و سرانجام سیاست‌های حکومتی با تکیه بر یک منطقه خاص از جمله کشورها و شهرها، یا با تکیه بر یک دوره زمانی خاص، مانند ایام حکمرانی یک دودمان هستند، بنابراین، بررسی مندرجات این منابع را به فصل پنجم کتاب که ویژه مؤلفه‌های تشکیل دهنده تاریخ اجتماعی است، وامی‌نهمیم.

مروری بر تعریف‌ها، نشان‌دهنده این واقعیت است که به‌سان همه مفاهیم علمی در رشته‌های مختلف، اجماع و حتی وفاقی نسبی میان صاحب‌نظران درباره تعریف تاریخ اجتماعی وجود ندارد. پاره‌ای تعریف‌ها به دور از باریک‌بینی‌های نظری تدوین شده‌اند و برخی دیگر کوشیده‌اند به این پیچیدگی‌های نظری بیش و کم توجه داشته باشند. برخی تعریف‌ها تنها به آثاری نظر دارند که با عنوان تاریخ اجتماعی منتشر شده‌اند و به مثابه جمع‌بندی آنها هستند و برخی دیگر افزون بر این، ظرفیت لازم را برای پوشش دادن به آثاری که از این پس پدید می‌آیند، دارند. برخی تعریف‌ها ترکیبی از چستی و ملاحظات روش‌شناختی به شمار می‌روند و برخی دیگر تنها به قلمروهای پژوهش در تاریخ اجتماعی پرداخته‌اند. در برخی تعریف‌ها رد پای پایه‌های معرفتی به‌خوبی به چشم می‌خورد و در برخی دیگر این مبانی جایگاهی خاص به خود اختصاص نداده‌اند، تأثیر آموزه‌های دینی و به صورت مشخص، انجیل را هم به‌ویژه در برخی رویکردها که به محرومان توجه ویژه‌ای دارند، می‌توان دید و تأثیر آموزه‌های مارکسیستی را نیز در دسته‌ای دیگر می‌توان مشاهده کرد. آثار و نوشته‌هایی هم که از سوی پدیدآورندگان آنها برچسب تاریخ اجتماعی خورده‌اند، حکایت از

۱. دشتی، تاریخ اقتصادی و اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر تجار و تجارت، مقدمه دکتر رضا شعبانی.

نگاه‌هایی بسیار متفاوت به این مقوله دارند. آگاهی از این تعریف‌ها و رویکردهای حاکم بر آنها می‌تواند ما را برای به دست دادن تعریف ویژه خود از تاریخ اجتماعی مدد رساند.

تعریف پیشنهادی تاریخ اجتماعی

اکنون ما نیز همان‌گونه که در آغاز این فصل اشاره شد، با رویکردی تمایزگرا و با روشی مرکب از روش تحلیل مفهومی و روش معجمی، در پی به دست دادن تعریف تاریخ اجتماعی هستیم. رویکرد تمایزگرا، نشان دادن وجه تمایز و جدا شدن تاریخ اجتماعی را از دیگر گونه‌های تاریخ و تاریخ‌نگاری دنبال می‌کند و روش تحلیل مفهومی می‌کوشد این هدف را فراتر از بیان معنای واژه‌ها و از طریق تبیین و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تاریخ اجتماعی محقق سازد، بی‌اینکه مدعی معرفی و تبیین ماهیت آنها باشد. کار ویژه تعریف معجمی نیز این است که تا حد امکان ما را با تعریف‌ها و برداشت‌های موجود از تاریخ اجتماعی آشنا سازد و سبب شود تعریف پیشنهادی ما از چارچوب‌های شناخته‌شده و قابل فهم پژوهندگان تاریخ اجتماعی فاصله نداشته باشد. با ترکیب این دو روش و بهره‌برداری از ظرفیت آنها می‌توان تعریفی از تاریخ اجتماعی مطرح کرد که ضمن بیشترین پیوند و نزدیکی با تعریف‌های موجود، ملاحظات ویژه ما را هم دربر داشته باشد. پیشینه و متون و منابع مربوط به تاریخ اجتماعی آن اندازه بر ذهن و دل تاریخ‌پژوهان سنگینی ندارد که نتوان برخلاف نگاه‌های رایج، سخنی گفت و نوشته‌ای نوشت. براساس مطالب بیان‌شده از آغاز فصل تاکنون، تعریف پیشنهادی ما برای تاریخ اجتماعی بدین شرح است:

گونه‌ای از تاریخ‌نگاری که بستر اجتماعی رویدادهای تاریخی را به صورت مستقل (به مثابه یک رویداد) و یا در پیوند با رویدادهای دیگر به صورت روشمند و معطوف به کشف یا کاربست یک سلسله قواعد عمومی مورد بررسی قرار می‌دهد.

درباره این تعریف، نکته‌ها ملاحظات و تأملاتی وجود دارند که یادآوری آنها برای روشن ساختن ابعاد مختلف این تعریف ضروری است:

نکته اول، دلالت‌های قید «گونه‌ای از تاریخ‌نگاری»: این قید دربردارنده دو ملاحظه است:

نخست، آنکه تاریخ اجتماعی به‌سان هر گونه دیگر از تاریخ مضاف، مانند تاریخ سیاسی و تاریخ فرهنگی و تاریخ اقتصادی، بیش از آنکه ناظر به جنبه وقوعی رویدادهای گذشته باشد، ناظر به نوع نگاه ما به آنهاست؛ از این رو این دسته‌بندی‌ها را باید در فلسفه انتقادی تاریخ و فلسفه علم تاریخ قرار داد، نه در فلسفه نظری، یا فلسفه جوهری تاریخ. رویداد تاریخی تنها یک رویداد